

اب «به جرم خمینی» راوی داستان زندگی فرمانده شهید لشکر فاطمیون است

ابوحامد شدم و با خانواده او زندگی کردم

شود فقط با چند تکنیک، روایت را تبدیل به داستان کرد



دسترسی به اطلاعات بیشتر از تلاش و اصرار محقق فراتر است و نیاز به همراهی سازمان‌های وابسته دارد. برای مصاحبه با یک سری از فرماندهان فاطمیون با توجه به مسائل امنیتی آن زمان یادام است که نیاز به رد کردن چند لایه حفاظتی بود که البته با هر سختی انجام شد اما مثلاً دسترسی به لپ‌تاپ ابوحامد با توجه به مسائل امنیتی میسر نشد.

۱ جایگاه کتاب‌های زندگینامه

داستانی شهدای مدافع حرم در

بخش ادبیات پایداری را چگونه

ارزیابی می‌کنید؟

این‌که ما فهمیده‌ایم برای نوشتن درباره شهدا در کنار مستندنگاری و در حوزه تاریخ شفاهی - که همه در جای خودشان درست‌اند و باید به قوت ادامه پیدا کنند - باید سبک جدیدی پیدا کنیم خوب است اما برای رسیدن به این سبک جدید و خلق داستان تنها به کار بردن چند تکنیک داستان‌نویسی یک‌اثر را به اثر داستانی تبدیل نمی‌کند. با تکیه بر این مقدمه به‌نظرم در این راستا حرکتی برای خلق آثار متفاوت شکل گرفته و اتفاقاً مخاطب هم کم‌کم ارتباط برقرار کرده اما هنوز قوت نیافته و با خلق اثر حرفه‌ای فاصله داریم. به‌نظرم برای کار در این زمینه به قلم قوی و تسلط فنی هم نیاز داریم.

۲ ناشران به‌عنوان یکی از ارکان اصلی

تولید کتاب، چه نوع برخورد با مواجعه‌ای

با آثار زندگینامه داستانی شهدای مدافع

حرم دارند؟

برای خود من مواجعه ناشران مثبت بود. قبل از این‌که کار را به سوره‌مهر بسپارم، یکی دو ناشر دیگر هم که با قلم من و رویکرد جدیدی که اتخاذ کرده‌بودم آشنا بودند از چاپ کتاب استقبال کردند. دوستان انتشارات سوره‌مهر هم همراهی خوبی که داشتند مراحل تولید کتاب را پیش بردند.



من قصه

گفته‌ام و سعی

کرده‌ام اصول

داستان‌نویسی

را رعایت کنم.

استفاده از

تکنیک‌های

نویسندگی

اساساً به ما قصه

نمی‌دهد. این

اشتباهی است

که در بعضی

کتاب‌های دیگر

هم دیده می‌شود.

نمی‌شود فقط با

استفاده از چند

تکنیک روایت را

تبدیل به داستان

کرد

فصل حاج آخوند قصه کرده‌ام. شخصیت‌های فرعی آورده‌ام و صحنه‌آرایی کرده‌ام تا ماجرا در دل داستان شکل بگیرد. تقریباً همه بخش کودکی و مهاجرت و نوجوانی همین روند را طی کرده. اصل ماجرا بر پایه یک واقعیت است اما شرح صحنه و شخصیت‌های فرعی و فضا سازی‌ها را به اقتضای درام و داستان پیش برده‌ام. این کاری است که در فیلم‌نامه‌های اقتباسی هم انجام می‌شود. در خیلی از بخش‌های دیگر زندگی ابوحامد اگر مستندات و مصاحبه‌ها کامل بوده، ماجرا را همان‌طور که بوده در قالب داستان نقل کرده‌ام.

۳ تحقیقات میدانی چه نقشی در شکل‌گیری کتاب‌های

زندگینامه داستانی شهدای مدافع حرم دارند و چقدر شرایط

برای این نوع تحقیقات فراهم است؟

من در تحقیق، ریز و دقیق جلو رفتم. به‌طور وسواس گونه‌ای تلاش کردم به همه زوایای زندگی شهید پردازم و این را در کلام مصاحبه شونده‌ها جست‌وجو کنم. برای همین فقط به مصاحبه با همسر و خانواده بسنده نکردم. به دنبال دوستان و هم‌زمان در بازه‌های زمانی مختلف زندگی شهید رفتم و پیدای‌شان کردم تا از زبان آنها هم درباره علیرضا توسلی بشنوم. تلاش کردم از حرف‌ها، ماجرا و قصه دریابم. مثلاً اگر یک مصاحبه شونده شروع می‌کرد به حرف‌های کلی که مثلاً ابوحامد بی‌نظیر بود، شجاع بود و... می‌بردمش به خاطراتش و سعی می‌کردم با سوال‌های مختلف ماجرای را که او در آن به شجاعت ابوحامد پی برده، پیدا کنم و بشنوم. البته شنیدن ماجراهای یکسان از زبان چند نفر و تطبیق‌شان برای نزدیک‌تر شدن به واقعیت کار مهمی است که در تحقیق انجام دادم.

در کنار همه این‌ها مطالعه درباره تاریخ و جغرافیای افغانستان، احزاب مختلف و مسائل داخلی کشور و به‌طور ویژه هزاره‌ها بر من واجب بود. نیاز داشتم به یک آدم به نام علیرضا توسلی در بستر و فرهنگی که رشد کرده نگاه کنم و از زبان آدم‌های مختلف از او بشنوم تا بتوانم به شخصیت او نزدیک شوم. به‌نظرم خلق شخصیت ورای این‌که هر راوی از دریچه دید خود به او نگاه می‌کند مستلزم کنکاش زیاد است. برای من از این جهت تحقیق خیلی مهم بود. همین بود که رها کردن زندگی در تهران و رفتن به مشهد، خانه ابوحامد و زندگی با خانواده‌اش یا چند سفر دیگر به مشهد و قم و پیدا کردن دوستان شهید در افغانستان و راضی کردن‌شان به مصاحبه در عین سختی برای من راهگشا بود.

از طرفی من فرصت داشتم آن روزهایی که در منزل ابوحامد بودم کتاب‌ها و دست‌نوشته‌ها را کندوکاو کنم و به اطلاعات خوبی هم رسیدم. یک سری از این تحقیقات به تلاش و دقت محقق برمی‌گردد اما فراهم شدن بعضی بسترهای مصاحبه یا

نکته

چالش‌های نویسنده‌گی زندگینامه داستانی

البته این داستان مجموع همه آن مصاحبه‌ها و مستندات نیست و نباید هم باشد. تخیل نویسنده در پر و بال دادن و فضا سازی و گاه اضافه کردن شخصیت‌های اندک فرعی. که به کمک صحنه‌پردازی آمده‌اند.

در سطور این کتاب، خواننده را همراه خواهد کرد تا زندگینامه انسانی چند بعدی چون ابوحامد را با حلاوت دو چندان در قالب داستان نوش کند. «این توضیح را نیاز دیدم اول به مخاطب بدهم تا بداند چه مسیری طی شده و البته به نظر این کار از نوشتن داستان صرف خیلی سخت‌تر است.

آنچه در کتاب به جرم خمینی خواهید خواند، عین واقعیت نیست چون هیچ داستانی نمی‌تواند عین واقعیت باشد و البته که هر واقعیتی به روایت آدم‌های مختلف با واقعیت دیگر متفاوت است.

اما در این روایت داستانی تمام تلاشم را کرده‌ام شکله اصلی و استخوان‌بندی اثر بر پایه مجموعه بزرگی از مستندات و تحقیقات یکساله‌ام درباره شخصیت شهید علیرضا توسلی باشد.

وقتی شما داستان می‌نویسید دست‌تان برای تخیل باز است اما وقتی می‌خواهید رمانی مستند بنویسید باید تمام تلاش‌تان را بکنید که به مستنداتی که دارید وفادار باشید.

این کار را سخت می‌کند. یعنی یک جایی اگر قصه جوری تغییر کند که نویسنده می‌خواهد، شاید درامی موفق‌تر خلق شود اما نویسنده در این قالب باید ساختار را حفظ کند.

من ابتدای کتاب «در چند کلمه قبل از شروع» گفته‌ام «هر

داستان‌نویسی، قصه بگویم. دی که مرحمت کردند و کتاب به معنای عرف این روزهاست چیزی که در ادبیات نمایشی جا داد.

ستان، زیرلایه‌هایی را هم در نظر کودکی تا شهادت در داستان نوشتن داستان بهش رسیدم